

فراواقعیت یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه بودریار است. یکی از زمینه‌هایی که فراواقعیت به شدت در آن رسوخ کرده، مسائل جنسی است. بر این اساس در پژوهش حاضر با اذعان به هرزه‌نگاری به‌عنوان نوعی فراواقعیت در حوزه جنسی و با استفاده از مفاهیم خاص بودریار در این خصوص، تجارب مصرف‌کنندگان این محصولات، با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای پیگیری می‌شود. جامعه مورد مطالعه، کاربران محصولات هرزه‌نگاری بودند که به‌روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۰ نفر (۱۰ نفر زن، ۱۰ نفر مرد) از سه کلینیک روان‌شناسی و همچنین از گروه‌های مجازی با محتوای جنسی انتخاب و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. تحلیل یافته‌ها به‌روش سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. یافته‌های این پژوهش شامل سه مقوله کلی با زیر مقوله‌های آن، شامل فراواقعیت رابطه‌ای (کنش جنسی رسانه‌ای و توهم سرخوشی و رضایت)، فراواقعیت تجربه‌ای (ماجرای جنسی و تداخل تخیل جنسی با امور روزمره) و فراواقعیت پیامدی (زن به‌مثابه کالای مصرفی و گرفتاری در تسلسل دال‌های جنسی) بود. نتیجه کلی به‌دست آمده حاکی از آن است که تقلید از کنش‌های جنسی نمایش داده شده در هرزه‌نگاری، به نتایج دلخواه و رضایت جنسی در دنیای واقعی افراد منجر نمی‌شود چون واقعیت نداشته و ساخته رسانه است، لذا عدم رضایت جنسی در دنیای واقعی به عنوان مفهوم محوری تحقیق حاضر قلمداد می‌شود. چرا که در هرزه‌نگاری صرفاً با استفاده از وضوح رنگ‌های تصاویر، چیزی درخشنده‌تر، رنگی‌تر و جنسی‌تر ارائه می‌شود. ■ واژگان کلیدی:

بودریار، فراواقعیت، هرزه‌نگاری، رسانه، تئوری زمینه‌ای

هرزه‌نگاری و فراواقعیت

مطالعه کیفی تجارب کاربران ایرانی در استفاده از محصولات هرزه‌نگاری

مریم مختاری

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج
mmokhtari@yu.ac.ir

حکیمه ملک‌احمدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه یاسوج
Hakime_malekahmadi@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

امروزه «جنسیت»^۱ در رأس مسائل جامعه مصرفی قرار دارد و به نحو چشم‌گیری تعیین‌کننده دال ارتباطات جمعی شده است. هرچه برای دیدن و شنیدن عرضه می‌شود به گونه‌ای آشکار رنگ و بوی جنسی به خود گرفته است.^۲ (بودریار، ۱۳۸۹: ۲۲۵) این در حالی است که به غیر از حوزه‌های متعدد غیر مرتبط با جنسیت که با محصولات و ابژه‌های جنسی احاطه و در واقع سرریز شده‌اند و «حتی یک میلی‌لیتر از حوزه‌های تحریک‌آمیز جنسی بلااستفاده باقی گذاشته نشده است» (جی اف هلد به نقل از بودریار، ۱۳۸۹: ۲۲۵)؛ حوزه‌های خاصی نیز به‌طور نظام‌مند و در واقع به شکل نوعی صنعت به جنسیت و مسائل مرتبط با آن می‌پردازند. یکی از این حوزه‌ها هرزه‌نگاری^۳ است که به شکل‌های مختلف و روز به روز متنوع‌تر به مصرف‌کنندگان عرضه می‌شود. البته این حوزه، قدمتی به اندازه تاریخ دارد. از همان زمانی که بشر قادر به نوشتن و تصویرگری شده، به تهیه و خلق هرزه‌نگاری هم اقدام کرده است. بررسی ظروف قدیمی به‌دست آمده از یونان و رم باستان، به‌خوبی این ادعا را ثابت می‌کند. (لینز^۴، ۲۰۰۸: ۹۳۸) در طول قرون متمادی هرزه‌نگاری به رشد و توسعه خود ادامه داده است، تا جایی که امروزه از آن به عنوان صنعت یاد می‌کند. (سوارز^۵، ۲۰۰۸: ۷۱۲)

واژه هرزه‌نگاری از واژه‌های یونانی پورنو^۶ و گرافی^۷ اخذ شده که به معنای «توصیف فعالیت روسپی‌ها» است (کلاین^۸، ۱۹۹۹) دیکشنری آکسفورد (۲۰۰۵) نیز کتاب، فیلم یا هر چیزی که برای ایجاد هیجان و تحریک جنسی، افراد را به شکل آزاردهنده و نامطلوب در اعمال جنسی توصیف و تصویر کند، در معنی پورنوگرافی آورده است. همچنین مطالبی که در برگیرنده یک علاقه شدید (وقیح، هولناک، بی‌شرمانه یا شهوانی) جنسی‌اند و ارتباط جنسی را به شیوه‌ای آشکار و آزاردهنده توصیف کرده و به‌طور کلی از نظر ادبی، سیاسی، هنری و علمی هیچ ارزشی ندارند (کلاین، ۱۳۸۴: ۳۱) در زمره تعریف هرزه‌نگاری قرار می‌گیرند.

گرچه هرزه‌نگاری تاریخچه طولانی دارد، ولی بدون شک هیچ دوره‌ای از نظر تنوع

1. Sexuality
2. Pornography
3. Linz
4. Suarez
5. Porno
6. Graphia
7. Cline

و میزان دسترسی و گستردگی توزیع و همچنین گروه‌های مختلف سنی و جنسی مصرف‌کننده، قابل مقایسه با شرایط کنونی نبوده است و این مهم بدون وجود رسانه‌ها و تکنیک‌های مختلف رسانه‌ای، امکان‌پذیر نیست. «با توجه به روش تولید، هرزه‌نگاری به دو دسته «هرزه‌نگاری سنتی» و «هرزه‌نگاری مجازی» تقسیم می‌شود. در هرزه‌نگاری سنتی، تصاویر و محتواهای هرزه‌نگارانه با استفاده از روش‌های سنتی مانند فیلم، نقاشی، عکس و مجله تهیه می‌شود. با ظهور رایانه امکان تهیه محصولات هرزه‌نگارانه به صورت مجازی نیز فراهم شد» (نگهی، ۱۳۹۱: ۱۴۱)، که بر گمنامی و آسانی دسترسی به این محصولات تأثیر بسزایی داشته و استفاده افراطی از آن را بیش از پیش مسیر می‌سازد. بنابر گزارش آمار تاپ تن ریویوز^۱ به‌عنوان یک مرکز گزارش آمار رسمی، ۱۲ درصد کل وب‌سایت‌ها در سطح جهانی وب‌سایت پورنوگرافی‌اند. در هر ثانیه ۳۰۷۵۶۴ دلار جهت مشاهده موارد پورنوگرافی در اینترنت صرف می‌شود، در هر ثانیه ۲۸۲۵۸ نفر در حال تماشای پورنوگرافی‌اند و در آمریکا در هر ۳۹ دقیقه یک ویدئو هرزه‌نگاری تولید می‌شود^۲. در خصوص میزان استفاده از محصولات هرزه‌نگاری در ایران، آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد. اگر دیگر شیوه‌های استفاده از این محصولات در نظر گرفته نشود و صرفاً مسئله با میزان جستجوی اینترنتی واژه‌های جنسی، در نظر گرفته شود، بنا به برخی گزارش‌ها موضوع ابعاد بزرگ و نگران‌کننده‌ای خواهد داشت. «بیش از یک‌سوم کلماتی که به فارسی بیشترین جستجوی اینترنتی در مورد آنها صورت گرفته، کلمات هرزه‌نگارانه محسوب می‌شوند که رقم چشمگیری محسوب می‌شود. این نتایج در حالی به‌دست آمده که کلماتی که برای یافتن محتوای هرزه‌نگارانه به کار می‌روند اغلب در ایران فیلتر هستند و در حالت عادی و بدون استفاده از فیلترشکن امکان جستجوی آنها وجود ندارد. همچنین چند سال پیش آمار اعلام شد که در جستجوی کلمه سکس به زبان انگلیسی، ایران در بین ده کشور اول دنیا قرار داشت». (نوربخش و مولایی، ۱۳۹۳) چنین امری در جامعه ایرانی با توجه به پیشینه دینی و مذهبی آن و شکل‌گیری پایه‌های خانواده بر این اساس، ابعاد جدی‌تر و آسیب‌زاتری به‌خود می‌گیرد که ضمن تهدید خانواده، عقاید دینی را هم عمیقاً به چالش می‌کشد. بنابراین رسانه‌ها و در رأس آن فضای مجازی همان‌طور که در زمینه‌های مختلف شکل‌دهنده افکار و خلق‌کننده

1. Top Ten Reviews

2. <http://Internet-Filter-Review.Toptenreviews.com/Internet-Pornography-Statistics.Html>

واقعیت هستند، در زمینه مسائل جنسی نیز فعال و مؤثر عمل می‌کنند و می‌توانند فراتر از طبیعت واقعی رابطه جنسی و آنچه که در نهایت، رضایت طرفین و دوام رابطه را تضمین می‌کند، الگوهایی را به خورد مخاطب داده، که در نهایت نتیجه‌ای جز عدم رضایت (به دلیل عدم تطبیق رابطه واقعی با رابطه نمایشی) نخواهد داشت. شاهد آن نیز آمار بالای اختلاف و جدایی در بین زوجین، روابط پنهانی چه به صورت مجازی و چه واقعی، افزایش خودارضایی، عدم تمایل به ازدواج و ترجیح روابط غیرمتعهدانه به ازدواج رسمی است. علاوه بر این، پورنو آسیب‌هایی را به‌طور خاص متوجه زنان می‌سازد. در این فیلم‌ها زن فقط کالایی جنسی نمایش داده شده و به جذابیت‌ها و زیبایی ظاهری تقلیل می‌یابد؛ به طوری که تنها وسیله‌ای برای امیال و گرایش‌های جنسی مرد در نظر گرفته می‌شود. (بوئل^۱، ۲۰۰۰: ۱۸۹) پورنو با نمایش خفت‌بار، آسیب‌زا، تحقیرآمیز و زجرآور زنان عموماً به عنوان موضوع‌های جنسی به عنوان روشی برای تحریک، هماهنگی و توجیه سوءاستفاده جنسی و خشونت‌آمیز علیه زنان استفاده می‌شود. (بلوردی، ۱۳۸۶: ۷۸) این درحالی است که حتی در خفیف‌ترین هرزه‌نگاری‌ها، مصرف‌کنندگان به‌ویژه مردان را به چهار آسیب تماشاگری جنسی (هیزی)، یعنی نگاه کردن وسواسی به زنان به جای تعامل با آنها؛ شیء‌انگاری و ارزیابی زنان به‌واسطه اندازه و شکل بدنشان؛ احساس بزدلی و مورد خیانت واقع شدن از طرف همسران‌شان و همچنین ترس از صمیمیت واقعی و ناتوانی در برقراری ارتباط صادقانه و صمیمانه با زنان دچار می‌کند. (واترز^۲، ۱۳۸۶: ۱۳۸) از آنجاکه اعمال سکسی که روی پرده دیده می‌شود فراواقعی است، مردم سعی می‌کنند از آنها تقلید کنند و در نتیجه زندگی‌های سکسی واقعی روزانه آنها خود به وانموده تبدیل می‌شود. (ریترز: ۱۳۸۹: ۴۲۰-۴۱۹)

بنابراین می‌توان گفت استفاده از این محصولات و درگیری ذهنی با آن نه تنها زنان، گروه نوجوان و جوان را تحت تأثیر قرار داده و آگاهی و ذائقه غلطی نسبت به رابطه جنسی در آنها ایجاد می‌کند، بلکه خانواده‌های تشکیل‌شده را نیز در معرض فروپاشی و خیانت قرار می‌دهد. این آسیب حتی متوجه خانواده‌هایی که از عمر تشکیل آنها سال‌ها گذشته و به‌نوعی به‌نظر می‌رسد پایه‌های خود را محکم کرده است نیز می‌شود و با ورود فضای مجازی به زندگی روزمره، ابعادی گسترده‌تر نیز به خود گرفته است.

1. Boyle
2. Waters

چنین نگرانی‌هایی به کرات از جانب عالمان دینی^۱ و مسئولین ابراز شده است. همچنین قانون‌گذار نیز در حقوق کیفری ایران به هرزه‌نگاری و مجازات‌های مرتبط با آن پرداخته است.^۲ بنابراین با مسئله‌ای جدی روبروئیم که عدم توجه به آن آسیب‌های جدی‌تری را متوجه جامعه خواهد کرد.

ژان بودریار یکی از نظریه‌پردازانی است، که به‌طور کلی به بحث و انتقاد در خصوص رسانه‌ها و قائم به‌ذات شدن واقعیتی که از طریق رسانه‌ها ساخته شده و هیچ ربطی به زندگی واقعی ندارد، پرداخته و به‌طور خاص در زمینه هرزه‌نگاری و ربط آن با فراواقعیت، مباحثی داشته است. زندگی در عصر وانموده‌ها که ناشی از رشد و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی از جمله کامپیوتر و رسانه‌های جمعی است، از مفاهیم بنیادی اندیشه وی است که در نهایت منجر به پدید آمدن «فراواقعیت و زوال امر اجتماعی» می‌شود. عامل اصلی ایجاد فراواقعیت، رسانه‌های جمعی است. بودریار مبحث فراواقعیت را در بحث هرزه‌نگاری نیز پیگیری می‌کند. از نظر وی «پورنوگرافی یک بعد به فضای جنسیت اضافه می‌کند و امری واقعی‌تر از واقعی می‌گردد. هیچ لزومی ندارد قوه تخیل خود را برای پورنوگرافی به کار گیریم، چرا که با واقعیتی اضافه مسدود شده است». (بودریار، ۱۳۸۶: ۵۰) در واقع در هرزه‌نگاری با استفاده از «وضوح رنگ‌های تصاویر سینمایی و تلویزیونی؛ چیزی درخشنده‌تر، رنگی‌تر، جنسی‌تر و با بیشترین وضوح ارائه می‌شود». (بودریار، ۱۳۸۶: ۵۳) پورنوگرافی وضوح بیش از حد به جزئیات آناتومی اضافه می‌کند. وقاحت، ابژه‌هایش را سوزانده و مصرف می‌کند. فرد از نمای نزدیک چیزی را می‌بیند که قبلاً هرگز ندیده است و هرگز عملکردهای اندام‌های تناسلی را این‌قدر نزدیک و از چنین چشم‌اندازی ندیده است. همه چیز واضح است، آن‌قدر نزدیک تا کاملاً واضح باشد و آنچه در پورنوگرافی جذاب است همین واقعیت اضافه و فراواقعیت چیزهاست. تنها تخیل در پورنوگرافی اگر باشد، نه تخیل در سکس؛ بلکه از واقعیت و جذب آن در چیزی بیش از واقعیت،

۱. مقام معظم رهبری: اگر از فضای مجازی غافل شویم اگر نیروهای مؤمن و انقلابی این میدان را خالی کنند مطمئناً ضربه خواهیم خورد؛ هر کس به‌اندازه وسع و توان و هنر خود باید در این میدان حضور یابد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵)

۲. الف) ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و مواد ۷۴۲ و ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۸؛ ب) مواد ۳، ۵، ۸ و ۱۰ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مصوب ۱۳۸۶؛ ج) ماده ۲۸ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴؛ د) مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۰، شورای عالی انقلاب فرهنگی. نک: حبیب‌زاده و رحمانیان، ۱۳۹۰

یعنی فراواقعیت است. نگاه شهوت‌آمیز پورنوگرافی، نگاه شهوت‌آمیز جنسی نیست، بلکه نگاه شهوت‌آمیز تباهی و بازنمایی است، سرگیجه‌ای ناشی از بیهودگی نمایش و فوران وقاحت. (بودریار، ۱۳۸۶: ۵۱) در همین راستا است که «جنسیت، شالوده‌شکنی شده و کارکرد کامل و نمادین مبادله را از دست می‌دهد و در دامان طرح دوگانه ارزش مفید/ و ارزش مبادله (که هر دو با هم مشخصه مفهوم شیء هستند) در می‌غلند. جنسیت در قالب کارکردی جداگانه مفهوم شیء پیدا می‌کند و در عین حال از ارزش مفید برای فرد (زیرا تکنیک و نیازها مطرح است نه میل) و ارزش مبادله که دیگر نمادین نیست، بلکه اقتصادی و تجاری است، برخوردار می‌شود. (بودریار، ۱۳۸۶: ۲۳۶)

در مقاله حاضر تلاش شده است بر مبنای مفاهیم بودریار، تجربیات مصرف‌کنندگان محصولات هرزه‌نگاری بررسی شود و تحقق این هدف حول محور سؤالات زیر است:

۱. معنای ذهنی هرزه‌نگاری برای کاربران چیست؟
۲. تجربه عملی کاربران هرزه‌نگاری در ارتباط با دنیای واقعی چگونه است؟
۳. استفاده از این محصولات چه پیامدهای نگرشی و رفتاری در پی خواهد داشت؟

پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه و تحقیقات صورت گرفته در این خصوص، حاکی از آن است که مطالعات داخلی اندکی چه در رشته جامعه‌شناسی و چه در دیگر رشته‌ها؛ در این حوزه صورت گرفته است؛ در صورتی که با توجه به گسترش روزافزون این محصولات به‌ویژه به مدد فضاها و گروه‌های مجازی، نیاز پرداختن به چنین موضوعی بیش از پیش احساس می‌شود. برای نمونه، حبیب‌زاده و رحمانیان (۱۳۷۵) به بررسی هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران پرداختند. بر این اساس در حقوق کیفری ایران برخی رفتارهای مرتبط با هرزه‌نگاری، در صورت جمع سایر شرایط مربوط به مرتکب، بزه‌دیده، دریافت‌کننده آثار و... جرم‌انگاری شده است. همچنین عمده مجازات‌هایی که برای این جرائم در نظر گرفته شده است، عبارت است از: شلاق، حبس، جزای نقدی و در برخی موارد اعدام. نگهبی (۱۳۹۱) به بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و قوانین کیفری ایران با هدف بررسی رویکرد قانون‌گذار به این پدیده و ارکان سازنده این جرم و توان مقابله قوانین کیفری ایران با آن پرداخته است. ربیعی و رضانیا (۱۳۹۱) در پژوهشی تأثیر چت‌روم‌ها بر تجربیات سکس مجازی در بین کاربران اینترنتی را نشان دادند. یافته‌های آنها حاکی از آن بود که تجربه ارضای جنسی از

طریق چت‌روم‌ها در اینترنت تجربه‌ای ناموفق است که به‌نوعی سرخوردگی و عدم ارضای واقعی می‌انجامد و افراد را از خویش بیگانه می‌سازد. همچنین یافته‌های پژوهش طالبی (۱۳۹۲) در مورد پیامدهای هرزه‌نگاری در بزرگسالان نشان داد که تماشای فیلم‌ها یا عکس‌های پورن نه تنها صمیمیت و شور و تمایل جنسی بین همسران را افزایش نمی‌دهد، بلکه به شیوه‌های گوناگون باعث تخریب رابطه عاطفی بین همسران هم می‌شود. تماشای فیلم‌های پورن در مردان با بی‌تفاوتی نسبت به زنان، بی‌ارزش تلقی کردن تک‌همسری، شک کردن درباره ارزش ازدواج و کاهش تمایل به بچه‌دار شدن همراه است.

یافته‌های ملک‌احمدی و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان داد پیامدهای استفاده از محصولات هرزه‌نگاری، در دو دسته پیامدهای نگرشی (زن به‌عنوان کالای جنسی، ترس از صمیمیت، برداشت‌های نادرست نسبت به زن و اخلال در امر ازدواج) و پیامدهای کنشی (الگو برداری جنسی، اعتیاد جنسی، تجاوز و خشونت جنسی و رابطه جنسی شهوانی) قابل تقسیم‌بندی است. همچنین در پژوهش دیگری از ملک‌احمدی و همکاران (۱۳۹۳) در خصوص آسیب‌شناسی آثار هرزه‌نگاری اینترنتی بر روابط جنسی زوج‌ها، الگوی رفتار جنسی معتادان با زیرمفوله‌های اعتیاد جنسی، تشدید این اعتیاد، حساسیت‌زدایی، تخیلات جنسی، اقدام به فعالیت جنسی و رفتار جنسی شهوانی استخراج شد.

پژوهش‌های خارجی مختلفی نیز در این حوزه، انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. نتیجه پژوهش کوپر (۲۰۰۷) بر روی رابطه متغیر جنسیت با محتواهای جنسی در اینترنت نشان داد، زنان بیشتر وقت خود را به داشتن سایبر سکس با دیگران می‌گذرانند، در حالی که مردان به سایت‌های هرزه‌نگاری سر می‌زنند. کوپر دریافت که اینترنت هر دو جنس را به آزمایش کردن راه‌هایی که از طرق دیگر نمی‌توانند آن را عملی کنند، دعوت می‌کند. اما در نهایت در مطالعه ۹۲۶۵ نمونه‌ای او ۱۲٪ زنان به سایت‌های پورنوگرافی متصل می‌شدند در حالی که این میزان برای مردان ۲۰٪ بود. (دیا نگلیس^۱، ۲۰۰۷)

پژوهش مش^۲ (۲۰۰۹) روی یک نمونه ۱۰۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه هایفا^۳، نیز حاکی از آن بود که مهم‌ترین متغیری که بر مصرف هرزه‌نگاری اثر می‌گذارد، جنسیت است. پسران بیشتر از دختران از پورنو استفاده می‌کنند. به‌علاوه دانش‌آموزانی که در

1. Dea Neglis

2. Mesch

3. Haifa

مدارس سکولار بودند بیشتر جستجوی موضوعات جنسی را گزارش کردند، نسبت به آنهایی که در مدارس مذهبی تحصیل می‌کردند. متغیر دیگر در این پژوهش رابطه تعهد و انسجام اجتماعی با مصرف هرزه‌نگاری بود. نتایج نشان داد سطح پایین تعهد خانوادگی و سطح پایین حمایت از نگرش‌های اجتماعی، احتمال جستجوی موضوعات هرزه‌نگاری در اینترنت را بالا می‌برد. سن نیز هیچ رابطه‌ای با استفاده از این محصولات نداشت.

کارنس^۱ (۲۰۰۹) در مطالعاتش روی ۱۰۰۰ معتاد جنسی دریافت که حدود ۹۰٪ مردان و ۷۷٪ زنان بررسی شده، استفاده از محصولات هرزه‌نگاری را عامل مهمی در اعتیاد خود می‌دانند. همچنین تحقیقات وی نشان داد، استمرار اعتیاد به سکس، استفاده شدید از عکس و فیلم صریح جنسی در طول خودارضایی، استفاده از روسپی‌ها و اعمال همجنس‌گرایانه، باعث حساسیت‌زدایی شده و در نتیجه منجر به استفاده بیشتر، وقیح‌تر و خطرناک‌تر گردیده و در نهایت به آزار و تخلفات جنسی می‌انجامد. (وروس^۲، ۲۰۰۹) همچنین نتایج پژوهش رایس هیوز^۳ حاکی از آن بود که تماس زودرس با پورنوگرافی (زیر ۱۴ سال) بیشتر با اعمال جنسی منحرفانه و به‌خصوص تجاوز در ارتباط است. بیش از یک‌سوم آزارگران و متجاوزان جنسی به کودکان، در معرض پورنو بوده‌اند. علاوه بر این در معرض فیلم‌های پورنو بودن، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای افراد را تحت تأثیر قرار داده و ابزاری قدرتمند برای آموزش ناصحیح سکس است و مشاهده‌گر را نسبت به ارزش‌های خانواده، ازدواج و مسئولیت و تعهد، بی‌قید می‌کند. (رایس هیوز، ۱۹۹۸) نتایج پژوهش پل و لری^۴ نیز نشان داد که از آنجایی که زنان در پورنو گلچین شده و از نمایی خاص به‌تصویر در می‌آیند و طوری نگاه می‌کنند که بتوانند عموم را اغوا کنند، خیلی از مردان با نگاه به این عکس و فیلم‌ها یک تصور غیرواقعی از رابطه جنسی پیدا می‌کنند و تصور می‌کنند که همسران‌شان کمتر از زنانی هستند که در فیلم و عکس نمایش داده شده است (پل و لری، ۲۰۱۰)

پژوهش فرگوسن^۵ و همکاران نیز نشان داد تماشای پورنوگرافی، دیدگاه افراد را از رفتارهای جنسی طبیعی تغییر داده، تجاوز را کم‌اهمیت جلوه داده و باعث افزایش آن می‌شود و به‌طور مستقیمی منجر به خشونت مردان علیه زنان می‌گردد (فرگوسن، ۲۰۰۹: ۳۲۴)

1. Carnes
2. Voros
3. Rice Hughes
4. Paul & Lori
5. Ferguson

در این خصوص تحقیقات زیلمن و برایانت^۱ (۱۹۸۸) حاکی از آن بود که افرادی که در معرض مصرف طولانی پورنوگرافی بودند، پس از چند هفته رضایت کمتری از عملکرد جنسی همسر خود، ظاهر و فیزیک او داشتند و محبت کمتری نسبت به او نشان می‌دادند، زیرا این فیلم‌ها با ارزش‌های پایدار و روابط جنسی صمیمی، به‌طور خاص در ازدواج، ناسازگاری دارد و به‌طور کلی، لذت جنسی بدون هیچ دلبستگی و تعهد و مسئولیت در ازدواج را رواج می‌دهد. افراد اعم از زن و مرد پس از مصرف پورنو، پذیرش بیشتری از روابط جنسی قبل از ازدواج و خارج از آن پیدا می‌کنند و بی‌بندوباری را یک قاعده طبیعی می‌پندارند. علاوه بر این، علاقه افراد به‌مرور به ازدواج کاهش می‌یابد و در صورت شکل‌گیری نهاد خانواده هم، دوام آن بسیار کوتاه است. همچنین تمایل به داشتن فرزند کم می‌شود؛ چون کودک هیچ جایگاهی در روابط کوتاه‌مدت جنسی و روابط بر اساس لذت جنسی ندارد. (زیلمن و برایانت، ۱۹۸۸؛ به‌نقل از کلاین، ۱۹۹۹)

۷۹

چهار چوب مفهومی

چارچوب مفهومی تحقیق، برگرفته از نظریه بودریار و در بر دارنده مفاهیم اصلی به شرح زیر است:

۱. انفجار درونریز

به‌گمان بودریار، مشخصه مدرنیته عبارت است از انفجار تقسیم‌بندی‌های جدید (تفکیک علم از ادبیات و فلسفه)، شکل‌های جدید تمایز (جامعه‌شناسی از مردم‌شناسی متمایز شده و در هر یک نیز حوزه‌های تخصصی از یکدیگر متمایز شده‌اند) و تمایزهای جدید فرهنگی (تمایز میان فرهنگ عامیانه و روشنفکرانه). به‌عکس، مشخصه پست‌مدرنیته عبارت است از فرآیند «فروشکست» که مرزها را در هم می‌شکند. (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۳۱) در نظریه انفجار درونریز به‌اعتقاد بودریار مرز میان واقعیت و وانموده یا شبیه‌سازی شده از میان می‌رود، یعنی در واقع معناها و پیام‌ها در هم می‌آمیزند و حوزه سیاست، حوزه سرگرمی، حوزه تبلیغات و جریان اطلاعات همگی به یک واحد تبدیل می‌شوند. همه شئون جامعه در یک جریان فروریزی از درون خلط می‌شوند و با هم ادغام می‌شوند و مرزهای محکم، واقعی و قطعی خود را از دست می‌دهند. دیگر میان سیاست، تفنن، سرمایه، کار، فرهنگ والا و فرهنگ توده‌ای تفاوت و مرزی وجود نخواهد داشت. دیگر

1. Zillmann & Bryant

بنیاد و ساختار محکمی در حوزه زبان، جامعه و فرهنگ باقی نمی‌ماند. گستره اصلی جهان در سیلان رویدادها و اتفاقات خاص خلاصه می‌شود و مرز میان فلسفه، جامعه‌شناسی و نظریه سیاسی از میان می‌رود. آنچه باقی می‌ماند منظومه شناور نشانه‌ها، مرزها، انگاره‌ها و وانموده‌هاست. به‌طور کلی واقعیت در گرد و غباری از نشانه‌های مه‌آلود محو می‌شود. (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴۶)

۲. تبارشناسی ارزشی اشیاء

بودریار در تبارشناسی خود از اشیاء، چهار یا پنج گونه ارزش را به اشیاء در دوره‌های مختلف تاریخی نسبت می‌دهد. ارزش مصرفی، ارزش مبادله‌ای، ارزش نمادین، ارزش نشانه‌ای و ارزش رمزی. ارزش رمزی را می‌توان مهم‌ترین نوع ارزشی به حساب آورد که بودریار برای اشیاء و ابژه‌ها در نظر می‌گیرد. وی معتقد است این نوع ارزش در دوران معاصر، که به پست‌مدرن معروف شده، سلطه یافته است. دوران رمز، دوران نشانه را که برای مشخص ساختن تمایز میان افراد و مشخص ساختن آنان بود پشت سر می‌گذارد. ویژگی دوران جدید در این نکته نهفته است که رمزها می‌توانند از واقعیات تمایز یابند و مستقل از آنها به حیات خود ادامه دهند. این امر، همان نقطه محوری است که دیدگاه‌های بودریار بر پایه آن می‌چرخد و به‌زعم او همین امر، نقطه عطفی در زندگی بشر امروزی به حساب می‌آید. (لچت، ۱۳۹۲: ۳۴۵-۳۴۱)

۳. مصرف به‌عنوان پدیده هویت‌بخش

در نظر بودریار مصرف کردن تلاش برای کسب حس یک هویت است. بدین ترتیب بودریار به‌جای اینکه مانند نظریه‌پردازان کلاسیک اقتصاد لیبرال یا چون بعضی از نویسندگان دیگر، مصرف را به‌عنوان فرایندی متکی بر ارضای نیازهای از پیش موجود بداند، یعنی نیازهایی که ریشه در نیازهای زیستی انسان دارند، رهیافت متفاوتی پیش می‌نهد. از نظر وی، مصرف را باید به‌عنوان روندی تلقی کرد که در آن خریدار یک قلم کالا از طریق به‌نمایش گذاشتن کالاهای خریداری شده به‌طور فعالی مشغول تلاش برای خلق یک حس هویت است. (باکاک، ۱۳۸۱: ۱۰۰) در نظر بودریار ارزش نمادین مصرف مهم‌تر از خود آن است. دنیای کالاها، دنیایی برای مبادله پیام است. در چنین وضعیتی، خریدار کالا را به‌نمایش می‌گذارد و به‌نحو فعالی حس هویت برای خود می‌آفریند. نکته مهم‌تر این است که افراد براساس هویت قومی، طبقاتی یا جنسی خود مصرف نمی‌کنند، بلکه خرید کردن را برای بیان هویتی که دوست دارند به‌کار می‌گیرند. (فاضلی، ۱۳۸۲:

۵۱-۵۲) شیء یا ابژه توسط مصرف‌کننده‌ای که نیازهایش را یک سرشت یا خصایص زیست‌شناختی عام انسانی تعیین کرده باشد، مصرف نمی‌شود. مصرف حاصل اشتیاق از پیش شکل گرفته سوژه مجسم به اشیا یا ابژه‌ها نیز نیست. کالاهای اجتماعی برای تأمین نیازهای از پیش موجود، مصرف نمی‌شوند، بلکه برای دلالت بر تمایزات اجتماعی مصرف می‌شوند. (استیونسن، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۳)

۴. فراواقعیت^۱

بودریار فراواقعیت را امری به‌غایت شبیه امر واقعی، بلکه عین امر واقعی و تسخیرکننده جایگاه آن می‌داند. به‌طوری که فراواقعیت غیاب و نبود امر واقعی را پنهان می‌سازد. کسی متوجه این جابجایی و این پنهان‌کاری نیست. در این حالت، فراواقعیت، واقعی‌تر از امر واقعی می‌شود. به بیان دیگر، چنان ماهرانه جایش را اشغال می‌کند که واقعی‌تر از خود آن جلوه‌گری می‌نماید. البته فراواقعیت، نه‌تنها جای امر واقعی را می‌گیرد، بلکه هیچ ربطی هم بدان ندارد؛ یعنی رونوشتی از امر واقعی نیست. نکته اساسی در طرح مفهوم فراواقعیت از سوی بودریار، رابطه و نسبتی است که وی میان واقعیت و بدل‌های آن، که به‌وسیله بشر و به مدد تکنولوژی ساخته شده است، برقرار می‌سازد. (گیلاسیان، ۱۳۸۹: ۸۶)

فراواقعیت به معنی «ناواقعیت» نیست، بلکه مشخصه فرهنگی است که در آن ساخته‌های خیالی رسانه‌ها، سینما و فناوری‌های رایانه‌ای برای ما واقعی‌تر جلوه می‌کنند. (مالپاس، ۱۳۸۸: ۱۷۳) به‌عبارت دیگر فراواقعیت نوعی توهم گسترده است که به یاری مکانیسم‌های پیشرفته جهان مدرن یعنی رسانه‌های الکترونیک و همچنین تمامی امکانات تکنولوژیک تغییر واقعیت نظیر دستکاری‌های ژنتیک، جراحی پلاستیک، صحنه‌پردازی‌ها و... ساخته می‌شود. (فکوهی، ۱۳۸۶: ۳۲۱) بودریار در یک تقسیم‌بندی، سه نوع بدل یا وانموده از واقعیت را، که به‌تدریج ارتباط خود را با واقعیت منقطع می‌سازند، مطرح می‌کند. به‌طوری که در مرحله پایانی به کلی از واقعیت جدا می‌شود و راهی جداگانه و مستقل می‌پیماید. وی در «مبادله نمادین و مرگ» و در ذیل عنوان نظم وانموده‌ها، سه نوع یا سه سطح نظم برای وانموده‌ها برمی‌شمارد: ۱. جعل: که مربوط به دوره رنسانس و آغاز انقلاب صنعتی است. این نظم در سطح قانون طبیعی ارزش یا همان ارزش مصرفی عمل می‌کند. ۲. تولید: این نظم در دوران صنعتی سلطه داشت و در سطح قانون بازاری ارزش عمل می‌کند. ۳. وانمایی: این نظم مربوط به دوران کنونی است و در سطح قانون

ساختاری ارزش، که رمزها سلطه می‌رانند، عمل می‌کند. (بودریار، ۱۳۸۷: ۳۵)

در وهله نخست، نشانه «بازتاب یک واقعیت اساسی» است. در وهله دوم، نشانه «یک واقعیت اساسی را نقاب‌زده و تحریف می‌کند» (این شاید مرحله ایدئولوژی و آگاهی کاذب و ساختگی باشد). در وهله سوم، نشانه «غیاب یک واقعیت اساسی را نقاب می‌زند». در وهله چهارم، که با آن دنیای معاصر فرا می‌رسد و دیگر نمی‌توان امیدوی به فراروی یا واپس‌نشینی از آن داشت، نشانه «حامل هیچ رابطه‌ای با هرگونه واقعیتی نیست؛ نشانه وانموده ناب خود است». (پین، ۱۳۸۳: ۱۶۶) در واقع مفهوم وانموده بودریار اصل واقعیت را از پای‌بست ویران می‌کند. «در اینجا دیگر مسئله بازنمود غلط واقعیت در میان نیست. بلکه پنهان‌نگه داشتن این واقعیت مطرح است که امر واقعی دیگر واقعی نیست». (بودریار به‌نقل از باومن، ۱۳۸۴: ۲۶۲) این یعنی بیش از حد وانمودن. در واقع در بحث وانموده فراواقعیت، صرفاً انبوه بی‌شماری از تصاویر ذهنی ایجاد می‌شود که هیچ‌یک واقعی نیستند. تنها تلاش برای خلق معنادار کردن آن می‌شود.

۵. تولیدات رسانه‌ای

بودریار تأکید ویژه‌ای بر رسانه‌ها دارد و انتقادات تندی بر رسانه‌ها وارد می‌کند زیرا معتقد است آنها نقش اصلی را در مخدوش کردن واقعیات بازی می‌کنند. بنا به استدلال بودریار، در روزگاری که رسانه‌های گروهی همه‌جا حضور دارند، واقعیت تازه‌ای - فراواقعیت - آفریده می‌شود که متشکل از آمیزه‌ای از رفتارهای مردم و تصاویر رسانه‌هاست، دنیای فراواقعیت با شبیه‌واره‌ها بنا می‌شود. تصویرهایی که معنای خود را از تصویرهای دیگر اخذ می‌کنند و به همین دلیل پایه و اساسی در «واقعیت بیرونی» ندارند. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۶۷۰-۶۶۹)

بودریار همچنین معتقد است که رسانه‌های الکترونیکی رابطه ما را با گذشته‌مان نابود کرده و دنیایی آشوبناک و تهی آفریده‌اند. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۹۷۴) نتیجه این شده است که آنچه واقعیت دارد تحت‌الشعاع قرار گرفته و سرانجام یکسره تحلیل خواهد رفت. تشخیص چیزهای واقعی از صحنه تماشا امکان‌ناپذیر شده است. در واقع رویدادهای واقعی بیش از پیش خصلت فراواقعی به خود می‌گیرند. در پایان به‌جز فراواقعیت، واقعیت دیگری پیدا نخواهد شد. (ریترز، ۱۳۸۹: ۸۱۸)

به‌طور کلی و به‌عنوان جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده باید گفت، مهم‌ترین نکته در هستی‌شناسی بودریار، اعتقاد به شبیه‌سازی‌ها است. هستی برای او واقعیت ندارد و توسط رسانه‌ها نه صرفاً بازنمایی، بلکه ساخته می‌شود. همچنین با در نظر گرفتن بودریار به‌عنوان

یک نظریه‌پرداز پست‌مدرن می‌توان جایگاه سوژه را در نظریات وی مشخص کرد. «درون بخش اعظم نظریه پست‌مدرن و درون سنت انتقادی که نظریه پست‌مدرن اغلب از آن اقتباس می‌شود، اغلب مردم به‌تصویر در نمی‌آیند. در این مجموعه آثار اغلب شخص جای خود را به سوژه می‌دهد. سوژه صرفاً به‌معنای یک شخص خودآگاه نیست، بلکه واقعیتی مشخصاً اجتماعی، یعنی موجودی است که حداقل به‌صورت جزئی در معرض فشارها و تمایزات تولیدشده در اجتماع بوده است. سوژه را نمی‌توان به سطح آگاهی فردی تقلیل داد، آنچه که وجود دارد تنها عملکردها و تکنیک‌های خود است.» (وارد، ۱۳۸۴: ۲۳۵) چنین چیزی را در تعریف بودریار از سوژه به‌ویژه در ارتباط با شبیه‌سازی‌ها و نقش رسانه‌ها در این بین می‌توان پیگیری کرد. سوژه‌ای که آلت دست وانموده‌ها شده است به جهان فراواقعی کشیده شده است.

۶. پایان امر اجتماعی

از نظر بودریار، فراواقعیت به همین شیوه به امر اجتماعی نیز پایان می‌دهد. امر اجتماعی، مجال تولید شدن در کنار وانموده را ندارد. (بودریار، ۱۳۸۷: ۱۰۹) توضیح آنکه، در گذشته قدرت صرفاً معنا را تولید می‌کرد و تقاضا، خود در پی می‌آمد. بدین ترتیب، قدرت بر اوضاع مسلط می‌شد. اما امروزه معنا در ابعادی هر چه گسترده‌تر تولید می‌شود، لکن تقاضا برای آن رو به کاهش گذاشته است. در شرایط جدید، تولید تقاضا برای معنا به دغدغه اصلی نظام مبدل شده است. این در حالی است که توده همه انرژی اجتماعی و هر نوع معنا و نشانه‌ای را به خود جذب می‌کند، اما دیگر آن را منکسر نمی‌سازد. معانی و نشانه‌ها را صرفاً هضم می‌کند. توده هیچگاه مشارکت نمی‌کند. توده به‌رغم اجتماعی‌سازی، که پشت سر گذاشته و اطلاعاتی که تسلیمش می‌شود، نمی‌گوید که حقیقت نزد چپ است یا راست، نه انقلاب را ترجیح می‌دهد و نه سرکوب را. توده حقیقت و خردی ندارد. توده وجدان و ناخودآگاهی ندارد. (بودریار، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۰)

بودریار، این انسان فاقد سرشت و شکل‌یافته در عصر رمزگان را انسانی فاقد میل و اراده معرفی کرده و می‌گوید: شاید عمیق‌ترین میل‌ها، میل به واگذاری مسئولیت میل خود به گردن دیگری باشد. اساساً وجود متخصصان، اهل علم، روشنفکران، سیاستمداران، تبلیغات، اطلاعات و فنون برای آن است که به ما بگویند ما چه می‌خواهیم. (وبستر، ۱۳۸۰: ۱۴۷) این انسان بی‌سرشت، وقتی به جامعه مصرفی پا می‌گذارد، هویتی مصرف‌گرا و لذت‌جو می‌یابد. وقتی به دنیای پر از اطلاعات زیاد، پیچیده و متضاد پا می‌گذارد، با

درماندگی و بی‌مسئولیتی اراده و میل خود را به دیگران وا می‌گذارد، معنا را به فراموشی می‌سپارد و می‌گوید: به‌جای من اراده کن، اما به‌گونه‌ای که من، محروم از لذت مصرف نباشم. چنین انسان‌های بی‌نام و نشانی که توده جدید را ساخته‌اند، حتی در پی ایجاد تغییر هم نیستند. (وارد، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

آنچه در خصوص مفاهیم اصلی نظریه بودریار گفته شد ایجادکننده حساسیت نظری برای محقق جهت به انتزاع کشاندن موضوع کاربران هرزه‌نگاری در ارتباط با دنیای واقعی است. کاربردهای نظریه‌ها که اشتروس و کوربین^۱ از آنها تحت عنوان منبعی برای مقایسه داده‌ها استفاده می‌کنند، افزایش حساسیت نسبت به تفاوت‌های ظریف داده‌ها، کمک به طراحی پرسش‌های اولیه مصاحبه یا مشاهده بوده و همچنین بینش دادن به محقق است در مورد اینکه کجا به دنبال مفاهیم بگردد. (اشتروس و کوربین، ۱۹۹۸: ۴۹-۴۵) با در نظر گرفتن هرزه‌نگاری به‌عنوان یک فراواقعیت و استفاده از مفاهیم بودریاری، محققان هرزه‌نگاری فضای مجازی را از سوی جامعه هدف تعقیب می‌نمایند.

۸۴

روش تحقیق

این پژوهش با روش تئوری زمینه‌ای^۲ صورت گرفته است. تعداد شرکت‌کنندگان در تحقیق تئوری زمینه‌ای از ابتدا قابل پیش‌بینی نیست و حجم نمونه توسط داده‌های جمع‌آوری شده و تحلیل آنها، مشخص می‌شود. (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۶) بر این اساس جامعه هدف در پژوهش حاضر، افرادی بودند که از محصولات هرزه‌نگاری استفاده می‌کردند. انتخاب مشارکت‌کنندگان برای ورود به پژوهش به چند شیوه صورت گرفت. بخشی از نمونه از سه کلینیک مشاوره روان‌شناختی شناسایی شد. به این صورت که افرادی که برای مشکلات خانوادگی و به‌ویژه جنسی به این مراکز مراجعه می‌کردند، شناسایی و با آگاهی کامل از شرکت در یک کار تحقیقی، وارد پژوهش شدند. بخش دیگری از نمونه، به‌صورت گلوله‌برفی و با کمک افرادی که قبلاً مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، انتخاب شدند. در نهایت نیز، محققین برای کامل کردن نمونه، به‌ویژه در بخش تجارب مجازی و رسیدن به سطح اشباع، تعدادی از افراد را در گروه‌های مجازی که با محتواهای جنسی مشغول فعالیت هستند، شناسایی و اعتماد آنها برای مصاحبه

1. Strauss & Corbin
2. Grounded Theory

جلب کردند. قابل ذکر است که ۱۴ مصاحبه به شیوه حضوری و در محیط کلینک و ۶ مصاحبه به صورت آنلاین و باز هم با آگاهی کامل مشارکت‌کنندگان از شرکت در یک کار پژوهشی، صورت گرفت.

در ابتدای تحقیق، با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند، افرادی که بیشترین شناخت و تجربه را نسبت به موضوع مورد مطالعه داشتند، انتخاب شدند. سپس نمونه‌گیری به صورت نظری «بر مبنای مفاهیم در حال ظهور برگرفته از داده‌ها» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۴) و به واسطه جمع‌آوری داده‌های اولیه و تحلیل همزمان آنها، ادامه یافت.

نمونه‌گیری تا مرحله اشباع یعنی تا زمانی که احساس شد اطلاعات و داده‌های جدیدی به دست نمی‌آید و داده‌های جمع‌آوری شده تکرار داده‌های قبلی است ادامه داشت. محققین از طریق بررسی مرتب داده‌ها و پرسیدن سؤالات، نهایتاً به احساس اشباع و بستن نمونه رسیدند. در این مطالعه ۲۰ نفر شامل ۱۰ زن و ۱۰ مرد از افرادی که تجارب مستقیمی از استفاده از محصولات هرزه‌نگاری، داشتند به‌طور عمیق مورد مصاحبه قرار گرفتند. گستره سنی افراد مورد مطالعه از ۱۸ تا ۴۵ سال و از تحصیلات دیپلم تا فوق‌لیسانس متغیر بود، که در جدول زیر مشاهده می‌شود:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	اسم مستعار	سن	جنسیت	وضعیت تأهل	تحصیلات
۱	مریم	۲۸	زن	مجرد	دیپلم
۲	رضا	۴۰	مرد	متأهل	دیپلم
۳	سهیلا	۲۵	زن	مجرد	فوق دیپلم
۴	علی	۲۷	مرد	مجرد	لیسانس
۵	آرمان	۲۷	مرد	مجرد	لیسانس
۶	نیما	۱۸	مرد	مجرد	دیپلم
۷	سپیده	۴۵	زن	متأهل	دیپلم
۸	احمد	۲۶	مرد	مجرد	لیسانس
۹	سعید	۲۰	مرد	مجرد	فوق دیپلم
۱۰	فرناز	۲۷	زن	مجرد	فوق لیسانس
۱۱	ریحانه	۲۵	زن	مجرد	لیسانس

ردیف	اسم مستعار	سن	جنسیت	وضعیت تأهل	تحصیلات
۱۲	فرید	۳۵	مرد	متأهل	دیپلم
۱۳	پدرام	۲۸	مرد	متأهل	لیسانس
۱۴	بدری	۲۸	زن	مجرد	فوق لیسانس
۱۵	سیاوش	۱۹	مرد	مجرد	فوق دیپلم
۱۶	راضیه	۲۴	زن	مجرد	لیسانس
۱۷	لیلا	۲۰	زن	مجرد	دیپلم
۱۸	بنفشه	۴۴	زن	مجرد	دیپلم
۱۹	احسان	۲۲	مرد	مجرد	لیسانس
۲۰	زیبا	۳۸	زن	متأهل	فوق لیسانس

از آنجا که «ساخت نظریه زمینه‌ای فرایندی در حال شدن، دورانی و مارپیچی است نه خطی» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۱۴) تحلیل داده‌ها به صورت فرایندی محقق محور، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها شروع می‌شود. بعد از جمع‌آوری داده‌ها محقق شروع به کدگذاری آنها کرده، طبقات شناسایی می‌شوند و رویدادهای مشابه در یک گروه طبقه‌بندی می‌گردند. (صلصالی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲) در این مطالعه نیز، کدگذاری داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. جهت تعیین قابلیت اعتماد، نیز پژوهشگر از مشارکت کنندگان خواست تا یافته‌ها را مطالعه کرده و همسانی آن را با تجارب خویش بررسی کنند. به این منظور برخی نتایج پژوهش با افراد شرکت کننده در میان گذاشته شد و مورد تأیید واقع شد.

یافته‌ها

حاصل تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش سه مرحله کدگذاری (باز، محوری، گزینشی)، استخراج سه مقوله کلی «فراواقعیت رابطه‌ای» با دو زیر مقوله کنش جنسی رسانه‌ای و توهم سرخوشی و رضایت؛ «فراواقعیت تجربه‌ای» با دو زیر مقوله ماجراجویی جنسی و تداخل تخیل جنسی با امور روزمره و «فراواقعیت پیامدی» با دو زیر مقوله زن به‌مثابه کالای مصرفی و گرفتاری در تسلسل دال‌های جنسی بود.

جدول ۲: مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به هرزه‌نگاری

کدهای توصیفی	زیرکدهای تفسیری	کد تفسیری
کنش جنسی رسانه‌ای	فراواقعیت رابطه‌ای	فراواقعیت و هرزه‌نگاری
توهم سرخوشی و رضایت		
ماجرای جنسی	فراواقعیت تجربه‌ای	
تداخل تخیل جنسی با امور روزمره		
زن به‌مثابه کالای مصرفی	فراواقعیت پیامدی	
گرفتاری در تسلسل دال‌های جنسی		

فراواقعیت رابطه‌ای

فراواقعیت رابطه‌ای خود شامل دو زیر مقوله‌ی «کنش جنسی رسانه‌ای» و «توهم سرخوشی و رضایت» می‌باشد. منظور رابطه در اینجا، صرفاً رابطه جنسی است که از حالت طبیعی خود خارج شده و شکل غیرواقعی به خود می‌گیرد. در واقع اعمال جنسی اصالت نداشته و خلق شده توسط رسانه‌ها و غیراصیل‌اند. به‌طوری که اگر در دنیای واقعی تجربه شوند، هیچ نتیجه و رضایتی از آن نوعی که در محصولات عرضه می‌شود، در پی نخواهد داشت.

۱. کنش جنسی رسانه‌ای

مهم‌ترین مواردی که در تجارب مشارکت‌کنندگان قابل پیگیری بود، «کنش جنسی رسانه‌ای» شده یا الگوبرداری از روابط ارائه‌شده در فیلم و عکس هرزه‌نگاری بود. مشارکت‌کنندگان این الگو را به‌عنوان یک اصل پذیرفته و به تقلید و تکرار آن می‌پرداختند: «وقتی این فیلم‌ها را می‌بینم، دارم زخم را تو ذهنم مجسم می‌کنم. خوشگل، خوش‌اندام!». از نظر آنها، این الگو، شیوه صحیحی برای روابط جنسی بوده و در نهایت همین طریق است که رضایت خاطر را به‌بار می‌آورد. مشارکت‌کنندگان هم معیارهایی را برای انتخاب شریک جنسی (دائم یا موقت) و هم معیارهایی را برای یک رابطه جنسی خوب براساس موارد مشاهده شده در نظر می‌گرفتند. از نظر آنها شریک جنسی خوب، شریکی است که همان معیارهای ارائه‌شده در فیلم و عکس هرزه‌نگاری را که بیشتر به ظاهر و رفتار اغواگرایانه باز می‌گردد، داشته باشد. استفاده مکرر از این محصولات، معیارهای زن و مرد مناسب به‌عنوان شریک جنسی را، برای آنها تعریف می‌کند: «من خانم خوبه ولی

مهم خواسته‌های منه^۱». از دیگر مواردی که الگوبرداری از فیلم‌های هرزه‌نگاری مشاهده شد، استفاده از این محصولات برای درمان نارضایتی زناشویی بود، «از رابطه جنسی‌ام راضی نیستم. اون کم داره از احساس. با زخم حرف هم زدم، دکتر هم رفتیم ولی فایده نداشت»^۲ بسیاری از همسران یا شرکای جنسی، فکر می‌کردند که این محصولات، می‌تواند برای آنها جنبه آموزشی داشته باشد «همسرم می‌گه اگه این فیلم‌ها را ببینم رابطه‌مون بهتر می‌شه»^۳ و با ارائه کنش‌های جدید، رضایت خاطر آنها را بالا برد. در حقیقت این محصولات هرزه‌نگاری کشش جنسی را در روابط جنسی ایجاد می‌نماید که فراتر از واقعیت است. به عبارتی آنها از حیث روابط جنسی با یک فراواقعیت مواجه‌اند.

۲. توهم سرخوشی و رضایت

در ادامه الگوبرداری از روابط ارائه‌شده در فیلم و عکس هرزه‌نگاری، مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که در نهایت این الگو می‌تواند رضایت زناشویی و جنسی آنها را در رابطه با همسر برآورده سازد. به این صورت که تقلید از نوع خاصی از کنش، رضایت را به همراه می‌آورد و اگر چنین رضایتی حاصل نشد، مشکل از شریک جنسی بوده است که نتوانسته در این تقلید به خوبی عمل کند. «همیشه به فیلم نگاه می‌کنم. از اون جور رابطه خوشم میاد. واسه همین نگاه می‌کنم برام هم تکراری نمی‌شه... دوست دارم خودم به بار اون جور رابطه داشته باشم»^۴ چنین اعتقادی مشارکت‌کنندگان را به سمت استفاده بیشتر از این محصولات سوق می‌داد به طوری که «اگه تو رابطه‌ام به رضایت نرسیم، مجبورم برم فیلم ببینم»^۵

در واقع «توهم سرخوشی و رضایت» را می‌توان به دو گونه در تجارب مشارکت‌کنندگان دید، یکی توهم رضایت با تقلید و تکرار کنش‌های مشاهده‌شده و دیگری توهم رضایت با تغییر شریک جنسی متناسب با معیارهای مشاهده‌شده در محصولات هرزه‌نگاری. چنین چیزی برای افراد مجرد، خود را به شکل ترس از انتخاب شریک زندگی نشان می‌داد «فکر کن من اگه ازدواج کنم خانمم می‌تونه هر نیازی که من دارم را برآورده کنه؟ همون چیزهایی که تو فیلم‌ها هست؟ می‌ترسم زخم از اون رابطه خوشش نیاد. می‌ترسم ازدواج

۱. پدرام، ۲۸ ساله و متأهل

۲. فرید ۳۵ ساله و متأهل

۳. زیبا ۳۸ ساله و متأهل

۴. احسان ۲۲ ساله و مجرد (مصاحبه آنلاین)

۵. فرید ۳۵ ساله و متأهل و زیبا ۳۸ ساله و متأهل

کنم^۱». در حقیقت آنان لذت از یک رابطه جنسی را در کپی‌برداری از این شیوه می‌دانند و شیوه‌ای غیر از آن را در ذهن خود پس می‌زنند. توهم بودن این سرخوشی، از آنجا ناشی می‌شود که هم تکرار کنش‌های مشاهده شده در فیلم‌های هرزه‌نگاری و هم تغییر شریک جنسی (که در تجارب برخی مشارکت‌کنندگان وجود داشت) همچنان رضایت خاطر را برای افراد ایجاد نمی‌کرد. احساس چنین توهمی با واژه‌هایی نظیر «سراب» یا «باتلاق»، در تجارب مشارکت‌کنندگان قابل پیگیری بود.

فراواقعیت تجربه‌ای

فراواقعیت تجربه‌ای شامل دو زیر مقوله «ماجراجویی جنسی» و «تداخل تخیل جنسی با امور روزمره» می‌شود. منظور از فراواقعیت تجربه‌ای، پیگیری موارد مشاهده‌شده در محصولات هرزه‌نگاری، در زندگی واقعی است، که خود را به شکل‌های متنوع و تا حد زیادی انحرافی نشان می‌دهد. همچنین به علت استفاده مکرر از این محصولات و خاصیت تداعی آن، تخیلات جنسی در طول روز فرد را همراهی می‌کند. بنابراین فراواقعیت تجربه‌ای می‌تواند به شکل تلاش برای تجربه واقعی یا خیالی خود، را نشان دهد.

۱. ماجراجویی جنسی

عدم ایجاد رضایت خاطر با تقلید الگوی رسانه‌ای ارائه‌شده در محصولات هرزه‌نگاری، موجب می‌شد که مشارکت‌کنندگان دست به «ماجراجویی‌هایی جنسی» به طرق مختلف بزنند. اولین و دم‌دست‌ترین این ماجراجویی‌ها، استفاده از اینترنت برای جستجوی موضوعات متنوع‌تر می‌باشد، که در این بین سر زدن به اتاق‌های گفتگو با محوریت جنسی، یکی از گزینه‌های پیش روی مشارکت‌کنندگان بود: «راحتی اینترنت از یه نظر خوبه از یه نظر بد. خوبه چون زود پیدا می‌کنی و زود ارضا می‌شی. بد چون زود به دست میاد خیلی به سمتش می‌ری و بهش وابسته می‌شی^۲». از این طریق برخی از آنها به «سکس مجازی» با استفاده از چت و امکانات صدا و وب و همچنین سکس تلفنی کشیده می‌شدند «سه ساله سکس چت می‌کنم. ولی اولش خیلی کم بود. این روزها هفته‌ای ۲ الی ۳ بار. بعضی وقت‌ها می‌شه هر روز. چند بار تصمیم گرفتم ولش کنم اما فقط ۳ الی ۴ روز طول کشید. اولش ماهی یک‌بار بود^۳».

۱. سعید ۲۰ ساله و مجرد

۲. نیما ۱۸ ساله و مجرد

۳. احمد ۲۶ ساله و مجرد (مصاحبه آنلاین)

همچنین به سبب الگوگیری از فیلم‌های هرزه‌نگاری، تمایلات مختلف جنسی که در بسیاری از موارد شکل انحرافی و بیمارگونه به خود می‌گرفت، در آنها بروز می‌کرد، «دوست دارم کارهای نامتعارف انجام بدم. کارهایی که خیلی دخترای دیگه ممکنه بدشون بیاد، شریک جنسی‌ام هرچی ازم بخواد بش نه نمی‌گم!»^۱ یا «اولین تمایلاتم به مردها بود بعد کم‌کم به زن‌ها شد. دلیلش هم محیط و دوست و تنوع طلبیه و اینکه آدم می‌خواد لذت ببره. دوست دارم بعد از ازدواجم ادامه بدم. کم‌کم که فیلم دیدم از روابط اف.اف.^۲ خوشم آمد. کم‌کم بعضی از هیکل‌ها و تیپ‌های زنانه برام جذاب شد»^۳. گرچه در بسیاری از آنها تمایلات انحرافی هنوز به مرحله عمل نرسیده بود، ولی تمنای چنین چیزی به‌لحاظ ذهنی در آنها وجود داشت.

۲. تخیل جنسی در طول شبانه‌روز

مورد دیگر قابل پیگیری در تجربه مشارکت‌کنندگان، «تخیل جنسی در طول شبانه‌روز» بود به این صورت که افکار و تخیلات جنسی به‌عنوان یک امر ثابت ذهنی، در تمام مدت روز و در حین فعالیت‌های مختلف اجتماعی با آنها همراه بود. «بعضی وقت‌ها همه را جنسی می‌بینم»^۴ به طوری که تمام امور ریز و درشتی که فرد از ابتدا تا پایان روز با آنها روبروست، از این امر مستثنی نبوده و خیال‌پردازی‌های جنسی به‌عنوان یک پیش‌زمینه ذهنی، تمام‌مدت با مشارکت‌کنندگان همراهی می‌کرد. برای نمونه برخی از آنها اشاره کردند که در محیط کار، همکاران خانم خود را با شخصیت‌های نمایش داده شده در فیلم‌های هرزه‌نگاری مقایسه می‌کنند یا در ذهن خود تصور می‌کنند که هر یک از زن‌هایی که در طول روز با آنها در ارتباط‌اند یا در خیابان به‌طور تصادفی با آنها روبرو می‌شوند، هنگام انجام کنش‌های جنسی، چه ویژگی خواهند داشت. «تو محیط کارم زیاد با دخترا سر و کار دارم. مخصوصاً همکارم. وقتی از سر کار برمی‌گردم همش به‌شون فکر می‌کنم. به زیبا بودنشون، به اون لباس‌هایی که می‌پوشن، منو وسوسه می‌کنه! من موقعی که از سر کار برمی‌گردم، وقتی تو فیلم اون صحنه‌ها را می‌بینم یاد تو اداره می‌افتم»^۵. داشتن تجاربی این‌چنینی، افکار جنسی را که می‌باید در حد متعادل در هر شخص وجود داشته

۱. راضیه ۲۴ ساله و مجرد

2. Female-Female

۳. لیلا ۲۰ ساله و مجرد (مصاحبه آنلاین)

۴. علی، ۲۷ ساله و مجرد

۵. علی ۲۷ ساله و مجرد

باشد به یک فراواقعیت در ذهن تبدیل می‌کند که گریزی از آن نبوده و تمرکز فکر را از فرد گرفته و وی را در دریایی از تخیلات جنسی شناور می‌کند. نکته قابل ذکر این است که تخیلات جنسی به این شیوه حاد که کل زندگی روزانه فرد را درگیر کند، بیشتر در مشارکت‌کنندگان مرد دیده شد.

فراواقعیت پیامدی

فراواقعیت پیامدی نیز شامل دو زیر مقوله «زن به‌مثابه کالای مصرفی» و «گرفتاری در تسلسل دال‌های جنسی» می‌باشد. منظور از فراواقعیت پیامدی، نتیجه و تأثیرات نهایی استفاده از محصولات هرزه‌نگاری است، که زن را به کالایی مصرفی تبدیل کرده و این تلقین را برای هر دو جنس قابل پذیرش می‌کند و در نهایت فرد را در یک دور باطل از دال‌های جنسی، بدون مدلول واقعی اسیر می‌کند.

۱. زن به‌مثابه کالایی مصرفی

یکی دیگر از تجربیات مشارکت‌کنندگان به‌ویژه مردان، نگاه صرفاً جنسی و کالایی، برگرفته از نوع رفتار و کنش‌های مشاهده‌شده در محصولات هرزه‌نگاری بود؛ که می‌توان آن را به‌عنوان پیامد مشاهده فیلم‌های پورنو در نظر گرفت. مشارکت‌کنندگان مرد، زنان را صرفاً به‌عنوان ابژه جنسی و در خدمت نیازهای خود در نظر می‌گرفتند: «اگر دخترا نبودن ما چی کار می‌کردیم؟ منظورم نیاز جنسیه، من اول ظاهر زن را می‌خوام، من بیشتر زیبایی اون را در نظر می‌گیرم: قیافش، استیل بدنش، خوش قیافه باشه^۱». چنین نگرشی زن را در حد یک کالای جنسی و مصرفی تنزل می‌دهد، که در نتیجه آن، کل روابط هر دو جنس بر مبنای «جاذبه‌ها و رفع نیاز جنسی» تعریف می‌شود. این نگاه در خود رابطه جنسی نیز منجر به جدا شدن عاطفه از رابطه جنسی می‌شود، به طوری که در مصرف‌کنندگان محصولات هرزه‌نگاری به تدریج کنش‌های جنسی، از کنش عاطفی جدا شده و جهت‌گیری به سوی «رابطه جنسی محض» سوق پیدا می‌کند که در آن نیازهای طرف دیگر در نظر گرفته نمی‌شود. جدا شدن کنش عاطفی از کنش جنسی منجر به عدم رضایت هر دو طرف می‌گردد که در گفته‌های مشارکت‌کنندگان زن به صورت «نبودن نوازش و عاطفه، رضایت زنان را کم می‌کند^۲»، بیان شد.

۱. احمد ۲۶ ساله و مجرد (مصاحبه آنلاین)

۲. زیبا ۳۸ ساله و متأهل

در سوی دیگر این رابطه نیز، مشارکت‌کنندگان زن نیز، به پذیرش تلقین‌های خاص مطرح‌شده در این محصولات نظیر استانداردهای بدنی و زیبایی و همچنین رفتارهای اغواگریانه، تن داده بودند یا حداقل از نظر ذهنی، آمادگی پذیرش این استانداردها را داشتند: نظیر «کارهای مختلفی انجام می‌دم تا شریکم ازم راضی باشه»^۱

۲. گرفتاری در تسلسل دال‌های جنسی

آخرین موردی که به شکل دوری باطل مشارکت‌کنندگان را در خود اسیر می‌کرد «گرفتاری در تسلسل دال‌های جنسی»، بدون رسیدن به یک مدلول نهایی بود. این اتفاق خود را به شکل جستجوی حریصانه موضوعات جنسی، دانلود فیلم و عکس، به اشتراک گذاشتن و معاوضه آنها با دیگر دوستان یا کاربران اینترنت، تمایل یا اقدام به تعویض شرکای جنسی و در نهایت سرخوردگی و عطش بیشتر به جمع‌آوری و تماشای فیلم‌های هرزه‌نگاری خود را نشان می‌داد. «آدم بدتر می‌شه. فکرش مشغول می‌شه، مدام می‌خواهی با افراد بیشتری آشنا بشی!» یا «هزینه‌های گزاف می‌افته پات^۲!» ادامه گرفتاری در این تسلسل در نهایت به شکل نوعی اعتیاد و وابستگی به این محصولات و تلاش مدام برای ترک، خود را نشان می‌داد «چند بار تصمیم گرفتم چند ماه ولش کنم. الان هم تا بتونم جلوی خودم را می‌گیرم. می‌خوام یه جوری کنترل کنم. تا حدودی راحت‌تر ولی بعضی وقت‌ها خیلی سخته. یک هفته تا دو هفته تونستم تحمل کنم»^۳.

این دور باطل تشدیدشونده، در گرفتاری دال‌های متعدد جنسی به بهترین صورت خود را در گفته‌های یکی از مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد:

تو وقتی گرسنه‌ات می‌شه فرض کن داری غذا می‌خوری، سیر می‌شی! می‌دونی افراد چرا با دیدن این فیلم‌ها آرام نمی‌شن؟ معمای راحتی! وقتی تشنه می‌شی چی می‌خوری تا تشنگی‌ات برطرف شه؟ حالا فرض کن خیلی تشنه‌ای تو خیابان، نه شیری هست نه پول داری بری آب بخری، به هر جا هم مراجعه می‌کنی بهت یه لیوان آب نمی‌دن! دیگه از بی‌آبی لب‌هات چروک می‌زنه، میای جلوتر می‌بینی که یه مغازه آب معدنی یخ‌زده گذاشته پشت شیشه، شما از شدت تشنگی میری جلوی مغازه می‌شین و نگاه می‌کنی ولی نمی‌تونی بش دست بزنی چون مانع هست! مانع شیشه است! فقط نگاه می‌کنی به

۱. زیبا ۳۸ ساله و متأهل

۲. نیما ۱۸ ساله و مجرد

۳. علی ۲۷ ساله و مجرد

آب پشت ویتترین. به کم آروم می‌شی ولی بازم تشنه هستی بعد از پنج دقیقه دوباره تشنه بودنت بیشتر می‌شه، این فیلم‌ها هم همین جوره!!! همه چیز می‌بینی اما نمی‌تونی مال خودت کنی، به لحظه واسه به مدت اندک آروم می‌شی، بعد می‌بینی وضعیت خیلی بدتر از قبل شده! بعد دوباره برمی‌گردی سراغش و دوباره همین قضیه...'

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، سه نوع فراواقعیت رابطه‌ای، تجربه‌ای و پیامدی در ارتباط با هرزه‌نگاری به انتزاع کشیده شد. فراواقعیت رابطه‌ای شامل دو مقوله «کنش جنسی رسانه‌ای» و «توهم سرخوشی و رضایت» است. کنش جنسی رسانه‌ای، کنشی است که برگرفته و تقلیدی از کنش‌های نمایش داده شده در رسانه است. با استعانت از نظریه بودریار می‌توان گفت: کنش‌های رسانه‌ای به‌قصد رسیدن به لذت و رضایت، تقلید می‌شوند ولی چون صرفاً نوعی فراواقعیت‌اند به لذت نینجامیده و فقط کنشگر را در یک دور باطل عطش و عدم رضایت اسیر می‌کنند و باعث «شکل‌گیری فرهنگ فراواقعیت می‌شوند که در آن تمایزات بین واقعی و خیالی، سطح و عمق یا واقعیت و توهم مخدوش می‌شود». (بل، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

همین از بین رفتن مرز واقعی و خیالی باعث توهم سرخوشی و رضایت می‌شود، زیرا تقلید از کنش‌های جنسی نمایش داده شده در هرزه‌نگاری به نتایج دلخواه و رضایت جنسی نمی‌رسد. چون واقعیت ندارد و ساخته رسانه است. در نتیجه باعث «تشدید واقع‌گرایی و وسواس دیوانه‌وار به واقعیت» (بودریار، ۱۳۸۶: ۶۲)، یعنی اقدام مکرر به کنش جنسی و ایجاد حس عدم رضایت می‌گردد. چرا که در هرزه‌نگاری با استفاده از «وضوح رنگ‌های تصاویر سینمایی و تلویزیونی؛ چیزی درخشنده‌تر، رنگی‌تر، جنسی‌تر و با بیشترین وضوح ارائه می‌شود» (بودریار، ۱۳۸۶: ۵۳)، که با واقعیت رابطه جنسی متفاوت است. نتیجه بزرگنمایی کالبدها، از بین رفتن ابعاد واقعی، تشدید بازنمایی، نمایش سکس در حالت محض است و نه تنها تهی شده از تمامی اغواها، بلکه نابودی پتانسیل‌های تصویر است. سکس آن قدر نزدیک است که با بازنمایی خودش در هم آمیخته می‌شود. (بودریار، ۱۳۸۶: ۵)

چنین سیمایی از وضعیت کنش‌های جنسی، اتصال‌دهنده بین مصرف و هویت است. به طوری که با تقلید از چنین کنش‌های جنسی، فرد چیزهای جدیدی را دنبال می‌کند

که تا پیش از این، در تصور وی نمی‌گنجید. فردی که سکس اینترنتی را جستجو می‌کند برای اینکه بتواند به این رویه ادامه دهد، خود نیازمند خلق هویتی جدید است که بر پایه آن دیگر به مقوله سکس مانند قبل نمی‌نگرد.

فراواقعیت دوم یعنی فراواقعیت تجربه‌ای خود شامل دو مقوله «ماجراجویی جنسی» و «تداخل تخیل جنسی با امور روزمره» می‌شود. پیگیری تجارب مشارکت‌کنندگان در بخش ماجراجویی جنسی حاکی از آن بود که به‌مرور مصرف‌کنندگان این محصولات به‌دنبال انواع متنوع و بعضاً انحرافی از رابطه جنسی‌اند که در تجربه مشارکت‌کنندگان، به‌صورت تمایل به رفتارهای نامتعارف جنسی چه به‌صورت واقعی و چه مجازی (از طریق چت و تلفن) مشاهده شد. بخشی مهمی از این تمایل توسط رسانه شکل گرفته است و در این ماجراجویی، اینترنت و فضای مجازی نقش بسیار مهمی بازی می‌کند. همزمان با این ماجراجویی، تخیل جنسی در حوزه‌های مختلف زندگی، نظیر محل کار و در حین فعالیت‌های مختلف روزمره نفوذ می‌کند. چنین چیزی باعث می‌شود که همان‌طور که فرد در حال انجام امور مختلف روزانه است، همزمان در تخیلات جنسی هم سیر کند. البته چنین روندی برای مشارکت‌کنندگان قابل کنترل نبود و این امر به‌دلیل استفاده مکرر از محصولات هرزه‌نگاری به‌طور ناخودآگاه برای آنها اتفاق می‌افتاد. در واقع فرد به‌لحاظ ذهنی، مرز بین امور مختلف را از دست می‌دهد. در مقوله تداخل تخیل جنسی با امور روزمره، مشارکت‌کنندگان مرور صحنه‌های جنسی دیده شده در محصولات هرزه‌نگاری و تعمیم آن به اطرافیان خود و به‌طور کلی نگاه جنسی به آنها را گزارش کردند.

آخرین فراواقعیت مستخرج از یافته‌ها، فراواقعیت پیامدی است که آن نیز در دو مقوله «زن به‌مثابه کالای مصرفی» و «گرفتاری در تسلسل دال‌های جنسی» قابل بحث است. همان‌طور که گفته شد «الگوی رسانه‌ای کنش جنسی» معیارهای جسمانی و رفتاری خاصی را به‌عنوان «استاندارد سکس» ارائه می‌دهد، این موضوع به‌ویژه برای زنان به‌طور جدی‌تری مطرح می‌شود، زیرا در یک جامعه مصرفی، زن یک ابژه جنسی است. این درحالی است که زنان کمتری به زنان پورنو شبیه هستند، «ستاره زن فیلم پورنوگرافی، با ایمپلنت‌هایش، جراحی‌های پلاستیک اضافی، تاتوها، آرایش بدن، را می‌توان زن لوند و انموده‌ای تلقی کرد. او یک ابژه فراواقعی^۱ سکس است که واقعی‌تر از زانی است که بیشتر مردان تا به حال احتمال مواجه شدن با آنها را در زندگی واقعی داشته‌اند». (ریترز،

۱. Hyperreal: تماماً و انموده‌شده و در نتیجه واقعی‌تر از واقعی، زیباتر از زیبا، حقیقی‌تر از حقیقی و...

۱۳۸۹: ۴۱۹) در واقع «هرزه‌نگاری محرک‌های تصنعی مختلف و بسیاری را برای فرد به وجود می‌آورد؛ به نحوی که محرک‌های موجود در زندگی زناشویی انگیزش لازم برای همسران را به اندازه کافی نخواهد داشت. به همین سبب، آنها نیاز به محرک‌های بیرونی از طریق برهنه‌نمایی خواهند داشت. (کاوه، ۱۳۸۶: ۷۵) بنابراین به‌طور ناخودآگاه ذائقه جنسی کاربران این محصولات به‌ویژه مردان تغییر می‌کند و بدون اطلاع از فراواقعیتی بودن تصاویر دیده شده، همسران خود را با آنها مقایسه می‌کنند و به‌طور یقین این همسران هستند که در این مقایسه مغلوب می‌شوند. این مغلوب شدن نه از آن جهت است که یک زن مهارت مورد نیاز برای رابطه جنسی متعارف را به دست نیاورده باشد، بلکه از این حیث، مغلوب شدن رخ می‌دهد که با مشاهده هرزه‌نگاری زن صرفاً به یک ابژه جنسی تبدیل می‌شود. همان‌طور که در فیلم‌ها و تصاویر پورنو او تنها یک ابژگی جنسی است. اما در زندگی واقعی زن علاوه بر مسائل جنسی و شریک جنسی بودن برای همسر خویش شریک اقتصادی و خانوادگی و اجتماعی وی نیز هست. که این امر در فراواقعیت از نظر دور می‌ماند. به عبارت دیگر در دنیای واقعی واقعیت زندگی یک زن ترکیبی از روابط جنسی، روابط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با همسر است که به وی هویت خاص می‌بخشد، حال آنکه فراواقعیت همه این ابعاد را تحت لوای سکس محض قرار داده است. بر این اساس همان‌طور که گفته شد تقلید از کنش‌های رسانه‌ای، رضایت خاطر برای مصرف‌کنندگان به همراه نمی‌آورد و به دنبال همین عدم رضایت است که فرد دست به «ماجرای جنسی‌های مختلف جنسی» می‌زند. همچنین در بیشتر مشارکت‌کنندگان تخیلات جنسی مانند یک پیش‌زمینه در همه فعالیت‌های روزانه فرد وجود داشت. تشدید این حالت می‌تواند به اعتیاد جنسی بینجامد که در برخی از آنها قابل مشاهده بود. در واقع ماهیت هرزه‌نگاری، اعتیادآور است و می‌توان گفت سرنوشت محتوم همه مصرف‌کنندگان آن، همین است و این به خصلت فراواقعیتی بودن این محصولات باز می‌گردد. کاربران هرزه‌نگاری بدون شک به اعتیاد جنسی مبتلا می‌شوند؛ زیرا رابطه‌ای که در این محصولات مشاهده می‌کنند به هیچ وجه به ارضای واقعی نمی‌انجامد و فرد را حریصانه‌تر به دنبال رابطه‌های متعدد و متنوع جنسی می‌کشانند و در نهایت منجر به اعتیاد جنسی وی می‌گردد. بررسی‌های مختلف نیز رابطه بین اعتیاد جنسی و تماشای پورنوگرافی را تأیید کردند. «کلاین^۱ روان‌شناس و درمانگر جنسی، دریافت که در ۹۴٪ موارد، عامل ایجادکننده

و تسهیل‌کننده این بیماری جنسی، پورنوگرافی بوده است». (کلاین، ۱۹۹۹) در نهایت چنین روندی مشارکت‌کنندگان را در یک «تسلسل بی‌پایان دال‌های جنسی» اسیر کرده که به شکل تقاضای روزافزون برای موضوعات جنسی و محصولات هرزه‌نگاری وقیح‌تر و متنوع‌تر که در بسیاری از موارد شکل غیرانسانی و توحش‌گونه به خود می‌گیرد و همچنین جستجوی شرکای جنسی مختلف، در تجارب مشارکت‌کنندگان خود را نشان داد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین راهکار در راستای یافته‌های این پژوهش، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی افراد و به‌ویژه زوجین از ماهیت غیرواقعی و ساختگی فیلم‌ها و عکس‌های هرزه‌نگاری می‌باشد. ساخت برنامه‌های آموزشی یا تشکیل کارگروه‌های تخصصی در این زمینه بسیار راه‌گشا خواهد بود. زیرا بسیاری از مصرف‌کنندگان تصور می‌کنند که آنچه در این محصولات عرضه می‌شود، واقعیت داشته و این خود آنها یا همسران‌شان هستند که در مقایسه با بازیگران پورنو، باید مهارت‌های خاصی را کسب کنند. متأسفانه بسیاری از روان‌شناسان و مشاوران خانواده نیز، تماشای این فیلم‌ها را به‌لحاظ جنبه آموزشی، برای بیماران خود تجویز می‌کنند، در صورتی که چنین امری مشکل را حادتر از قبل ساخته و همان‌گونه که ذکر شد، زندگی جنسی زوجین را به «وانموده» تبدیل می‌سازد.

منابع

۱. ادیب حاج باقری، محسن و سرور پرویزی، مهوش صلصالی. (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
۲. استیونسون، نیک. (۱۳۸۳). کولاک بودریار؛ پسامدرنیته، ارتباطات جمعی و مبادله نمادین. پیام یزدانجو. *مجله رسانه*. شماره ۵۷.
۳. باکاک، رابرت. (۱۳۸۱). *مصرف*. خسرو صبوری. تهران: نشر شیرازه.
۴. باومن، زیگمونت. (۱۳۸۴). *اشارات‌های پست مدرنیته*. حسن چاوشیان. تهران: نشر ققنوس.
۵. بل، دیوید. (۱۳۸۹). *درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر*. مسعود کوثری و حسین حسینی. تهران: جامعه‌شناسان.
۶. بلوردی، اکبر. (۱۳۸۶). *بررسی وابستگی به موضوعات جنسی در اینترنت*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباط.
۷. بودریار، ژان. (۱۳۸۶). *اغوا*. ایمن قضایی. پاریس: نشر شعر.
۸. بودریار، ژان. (۱۳۸۷). *در سایه اکثریت خاموش*. پیام یزدانجو. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۹. بودریار، ژان. (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی، اسطوره‌ها و ساختارها*. پیروز ایزدی. تهران: نشر ثالث.
۱۰. پین، مایکل. (۱۳۸۳). *فرهنگ اندیشه انتقادی: از روشنگری تا پسامدرنیته*. پیام یزدانجو. چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
۱۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر و حامد رحمانیان. (۱۳۷۵). *هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران*. *مجله حقوقی دادگستری*. شماره ۷۶.
۱۲. *خبرگزاری فارس*. (۱۳۹۵). دشمن در جنگی نرم و نابرابر نفوذ فرهنگی را با استفاده از فضای مجازی آغاز کرده است. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13950308000173>
۱۳. ربیعی، علی و آوات رضانیا. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی اینترنت و بحران اخلاقی در جوامع معاصر*. *مجله اخلاق در علوم و فناوری*. سال هفتم. شماره ۴.
۱۴. ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر ثالث.
۱۵. سیدمن، استیون. (۱۳۸۸). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*. هادی جلیلی. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
۱۶. صلصالی، مهوش؛ علی فخر موحدی و محمدعلی چراغی. (۱۳۸۶). *تحقیق گراند تئوری در علوم پزشکی*. تهران: بشری.
۱۷. ضیمران، محمد. (۱۳۸۲). *بودریار و واقعیت مجازی*. کتاب ماه ادبیات و فلسفه. شماره ۷۰.
۱۸. طالبی، فاطمه. (۱۳۹۲). *پیامدهای هرزه‌نگاری در بزرگسالان*. *ماهنامه سپیده دانایی*. شماره ۶۹.
۱۹. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. تهران: انتشارات صبح صادق.
۲۰. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.

۲۱. کاوه، سعید. (۱۳۸۶). *عکس و فیلم پورنوگرافی و پیامدهای آسیب‌زای آن در رفتار جنسی*. تهران: نشر سخن.
۲۲. کلایین، ویکتوری. (۱۳۸۴). تأثیر هرزه‌نگاری اینترنتی بر بزرگسالان. ماهنامه سیاحت غرب. شماره ۲۲.
۲۳. گیلاسیان، روزبه. (۱۳۸۹). *فلسفه در خیابان، عبور از فوکو و بودریار*. تهران: انتشارات روزبهان.
۲۴. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*. حسن چاوشیان. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.
۲۵. لچت، جان. (۱۳۹۲). *پنجاه متفکر بزرگ معاصر؛ از ساختارگرایی تا پسامدرنیته*. محسن حکیمی. چاپ سوم. تهران: انتشارات خجسته.
۲۶. مالپاس، سایمون. (۱۳۸۸). *پسامدرن*. بهرام بهین. تهران: انتشارات ققنوس.
۲۷. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). *ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*. جلد ۱. تهران: جامعه‌شناسان.
۲۸. ملک‌احمدی، حکیمه و وحید قاسمی. (۱۳۹۲). زنان و آسیب‌شناسی استفاده از محصولات هرزه‌نگاری. *فصلنامه علمی ترویجی اخلاق*. سال ۳. شماره ۱۱.
۲۹. ملک‌احمدی، حکیمه؛ صمد عدلی‌پور و زهرا پیرنیا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی آثار هرزه‌نگاری اینترنتی بر روابط جنسی زوج‌ها. *فصلنامه خانواده و رسانه*. شماره ۱۱.
۳۰. واترز، استفان. (۱۳۸۶). *اینترنت و پیامدهای اجتماعی آن*. مریم مشایخ. تهران: امیرکبیر.
۳۱. وارد، گلن. (۱۳۸۴). *پست مدرنیسم*. علی مرشدی‌زاد. تهران: نشر قصیده‌سرا.
۳۲. وبستر، فرانک. (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی*. اسماعیل قدیمی. تهران: نشر قصیده‌سرا.
۳۳. نگهی، رجان. (۱۳۹۱). *مقابله با هرزه‌نگاری کودکان: بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و قوانین کیفری ایران*. پژوهشنامه حقوق کیفری. سال دوم. شماره دوم.
۳۴. نوربخش، یونس و محمدهدی مولایی. (۱۳۹۳). *هرزه‌نگاری اینترنتی در ایران و نقش خانواده در کنترل آن*. در <https://rasekhoon.net/article/print/989874>

35. Boyle, K. (2000). The Pornography Debates: Beyond Causes and Effect. *Women Studies International Forum*. Vol. 23. No: 2. PP 187-195.
36. Cline, V. (1999). Treatment and Healing of Pornographic and Sexual Addiction. *LDSR: Help Hope Healing*. 12. 290.
37. Dea Ngelis, T. (2007). Is Internet Addiction Real?. *American Psychological Association*. In: <http://www.apa.org/monitor/aproo/addiction.html>.
38. Ferguson, C. (2009). The Pleasure Is Momentary... The Expense Damnable? The Influence of Pornography on Rap and Sexual Assault. *Aggression and Violent Behavior*. 14. PP. 23-29
39. Linz, D. (2008). *Pornography, Effects of Exposure*. Encyclopedia of Psychology and Law. SAGE Publication.
40. Mesch, G. (2009). Social Banda and Internet Pornographic Exposure Among Adoles-

- cents. *Journal of Adolescents*. No. 32. PP. 601-618.
41. Paul. A & D. Lori. (2010). *Why Porn Is Problem?*. In: <http://www.themarriagebed.com/ages/problem/sin/problemwithporn.shtml>.
42. Rice Hughes, D. (1998). *How Pornography Harm Children?* Protect Kids. com2001.
43. Strauss, A. & J. Corbin. (1998). *Basices of Qualitative Research*. London: Sage.
44. Suarez, A. E. (2008). *Pornography in Encyclopedia of Social Problems*. Thousand Oaks: Sage.
45. Voros, F. (2009). The Invention of Addiction to Pornography. *Sexologist*. Vol. 4. No. 18. PP. 243-246.